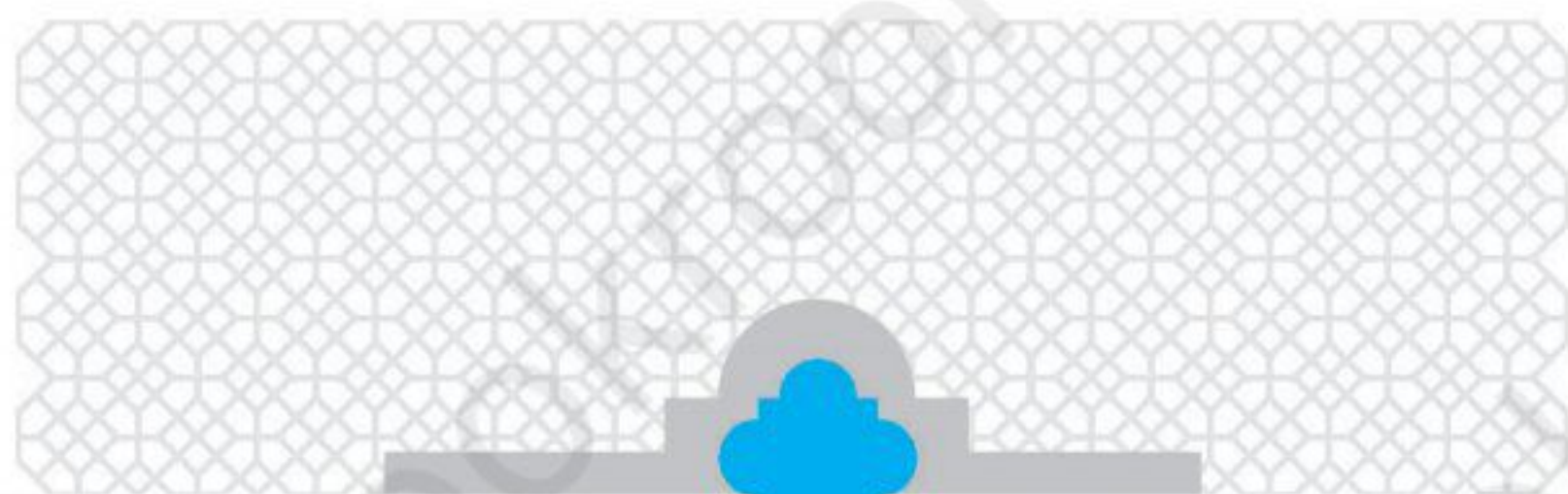




بسم الله الرحمن الرحيم



سلام



غیرکرامت

کتاب ارزشمندترین هدیه ای است
که می‌توان به نگاه بلندتان پیوسته کرد.

با تقدیم احترام
امضا



زینتین صالح بانیايش ابو حمزه

ترجمه و شرح: علی رهبر



کتاب مهستان



فهرست

آغاز	۱۲
رهایی من ارمغان توست	۱۴
تو مرا به خودت فراخواندی	۱۹
تو هر لحظه با منی	۲۴
ای فریادگران! در رحمت باز است	۲۹
با وعده‌های راستینت دل خوشم	۳۵
در حالی که در درگاهت رابسته‌ای، فراخوان نمی‌دهی	۴۰
عشقم به تو شفیع من است	۴۵
آرزوهای بزرگ دارم، گناهان بزرگ هم	۴۹
چون تو ستّاری، حیای من کم شده است	۵۵
هدایای گوارای تو کجاست؟	۶۰
ای کسی که عاشق مهرورزان به خودت هستی	۶۶
نه ناامیدم و نه از این در جدا می‌شوم	۷۱
خوش‌گمانی ما را از سر رحمتت، سرکوب نمی‌کنی	۷۶
ما آرزوهای دامن‌دار و فراوانی داریم	۸۱
خیر تو مدام می‌ریزد و شرّ من مدام به سوی تو بالا می‌آید	۸۶

عشق مکه و مدینه داریم	۹۲
آنان را پیامرز که از کودکی پرورشم داده‌اند	۹۷
دغدغه‌های دنیا و عقبای ما را کفایت کن	۱۰۲
خدایا! من توبه نصوح می‌خواهم	۱۰۷
بیماری و مشکل من چیست؟	۱۱۱
من همان جاهل گمراهم	۱۱۷
اگر درک کنم، من همان مصیبت دیده عصیانگرم	۱۲۲
دوستت دارم؛ ولی امان از نفس و شیطان	۱۲۷
خدایا! من مؤمن زبانی نیستم	۱۳۲
اگر بیچاره‌ام کنی هم امیدم را نمی‌گسلم	۱۳۷
مرا در اشک ریختن به حال و روز خودم یاری کن	۱۴۱
ظلمت و تنهایی قبر واقعاً گریه دارد	۱۴۶
سپاس که مرا از لوٹ شرک پاک کردی	۱۵۱
همت من معتکف سرای توست	۱۵۵
خود، حجاب خود شدم	۱۵۹
تو نور چشم من هستی، دوزخیم مکن	۱۶۴
به غریبی‌ام در این غربت سرا، رحم کن	۱۶۹
اگر مرا به خود وانهی، نابود می‌شوم	۱۷۴
تو از قدیم، کریم بوده‌ای	۱۷۸
تو که با دیگران نظر داری، ...	۱۸۱
جوانمردی مرا آشکار کن	۱۸۶
مرا از ریا خلاص کن	۱۹۲
آهنگ خانه تو دارم	۱۹۷
من همانم که اگر دوزخ هم برود، می‌گویم دوستت دارد	۲۰۲
اگر مرا به بهشت ببری، پیامبرت شاد می‌شود	۲۰۶
مرا در خویشتن خویش یاور باش	۲۱۱
خدایا! چشم قلب مرا باز کن	۲۱۵
از بی‌حالی و سستی و ... به تو پناه می‌برم	۲۲۰
از بدی‌های انبوهم حرفی به میان نیاور	۲۲۵
فرمودی که ببخشیم؛ پس تو هم مرا ببخش	۲۳۰

آغاز

بسم الله القريب

به نام خدایی که همین نزدیکی است و میان ما و ما حائل است .
اوست که به ما اذن داد فریاد بزنیم . دستور داد به سویش برویم . تهدیدمان
کرد که اگر تکبر ورزیم ، برایمان گران تمام می شود . اوست که عمیقاً دوستان
دارد . دلیل همه این ها هم این است که تنها او همه کاره عالم است .
نیایش ، اتصال قطره به بی نهایت است ، نیاز است ، تقویت عشق است ،
درس آموزی است ، مبارزه با رکود و بویناک شدن و ذلت پذیری است .
رمضان هر سال ، سفره ای افکنده می شود که ظاهرش خالی از طعام است
و در پَیَسش ، بنده راستین خدای رزاق شدن . گرسنگی می دهند تا سیر شویم و
اسیر می شویم تا آزاد شویم .
خلاص حافظ از آن زلف تاب دار مباد

که بستگان کمند تو رستگاران اند
رمضان ، ماه قرآن و نیایش و نماز است تا سرخط حرکت بالنده یک سالمان
شود . عالی ترین نیایش شعبان مناجات شعبانیه و عالی ترین تضرع رمضان ،
عشق نامه سجاده یا همان دعای ابو حمزه و بلند پایه ترین معرفت توحیدی
دعای عرفه حسینی است .

توفیق رفیق شد که در فضای مجازی ، کل دعای ابو حمزه را با وسواس ، ترجمه

کنم و شرحی کوتاه دهم. این مجموعه ۴۵ قسمت شد. عزیزان همکار در بنیاد علمی تربیتی کشتی طوفان‌ها، صوت‌ها را مکتوب کردند. بعد از آن، جناب آقای مهندس سید حسین فتاح زحمت کشیدند و دستی در نوشته‌ها بردند. در مرحله بعد، شخصاً تا حدودی سبک محاوره‌ای را تغییر دادم و رسمی کردم. اجرایشان و عزیزانی که در آغاز، صوت‌ها را پیاده کردند، با خود خداوند.

بنده نهضت شخصی سبک ترجمه روان و جذاب متون دینی را از سال ۱۳۵۳ شروع کردم؛ زیرا در ترجمه، حساسیت ویژه‌ای دارم. بنده حقیر تمام این دعای شریف را ترجمه کردم و امیدوارم حضرت سجاد علیه السلام این کار را از من بپذیرند.

از یاران آلا و مرکز مهرستان سپاسگزارم. نیز شایسته است از عارف نامی و ستون دعای ابو حمزه و کمیل در بیش از نیم قرن، مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا مهدی مظاهری یاد کنم که طعم این نیاز ماندگار شیعی را به مردم اصفهان چشانید. خدایش رحمت کند.

علی رهبر اسلامی، دانشگاه صنعتی اصفهان، شهریور ۱۳۹۷.



رهایی من ارمغان توست

إِلَهِ لَا تُؤَدِّبُنِي بِعُقُوبَتِكَ وَلَا تَمَكِّرْ بِي فِي حِيلَتِكَ مِنْ أَيْنَ لِيَ الْخَيْرُ يَا رَبِّ وَلَا
يُوجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ وَمِنْ أَيْنَ لِيَ النِّجَاةُ وَلَا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ.

خدایا! با عذابت، مرادب مکن و با حیل‌ات که روش خاص مجازاتی توست،
با من مکر نکن؛ هرچند بدی‌های من لایق چنین مجازاتی باشد. جازا مسیرتو،
چگونه به من نیکی می‌رسد؟ خیر فقط از جانب تومی‌رسد. فقط راه تو مسیر گریز
است و نجات، تنها با امداد تو ممکن است.



باز امشب با نیایش زنده‌ام
شادی رخساره‌ام کم می‌شود
این طراوت، ارمغان اشک‌هاست
روزه‌داری تقوا را تقویت می‌کند، اراده را قوی می‌سازد، به جسم سلامت
می‌بخشد، برخی از افسردگی‌ها را درمان می‌کند و به آدمی خودباوری
می‌دهد. بر اثر روزه‌داری، به یاد گرسنگان می‌افتیم، سحرخیز می‌شویم، یاد
قیامت در دل‌مان زنده می‌شود و در مجموع، زندگی با این دگرگونی، مزه دیگری
پیدا می‌کند.

امام سجاد علیه السلام شب‌های ماه مبارک را بیشتر به نماز می‌گذراندند و در
سحرگاهان، شخصاً این دعا را می‌خواندند و به ابو حمزه ثمالی می‌آموختند.
نیایش همچنان که آکنده از عشق است، درس آموز نیز هست. در نیایش،
هم به نیازهای معنوی توجه می‌شود و هم به نیازهای مادی. حتی، در
نیایش مبارزه نیز وجود دارد؛ همان گونه که حضرت سجاد علیه السلام در بعضی از
دعاهای صحیفه سجادیه، شیوه‌های چگونگی برخورد و مبارزه با دشمن را به
شیعیانشان آموخته‌اند.

اینکه گاهی دعايمان مستجاب نمی‌شود، به این سبب است که کم کار

کرده‌ایم یا گناهانمان مانع اجابت شده‌اند یا خواسته خاص ما به مصلحتمان نیست. در زمان‌های خاص، اصرار و تمنای بیشتری باید کرد. خداوند می‌خواهد دوستی ما با خودش قطع نشود یا می‌خواهد خواسته ما را به چیز دیگری تبدیل کند؛ اما باید باور کنیم جواب و استجاب از سوی خداوند، حتمی است.

حضرت سجاد علیه السلام نیایش ابو حمزه ثمالی را این‌گونه شروع می‌کنند:

«إِلٰهِي لَا تُؤَدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ» (خدایا! با عذابت مرا ادب نکن.)

تأدیب به معنای ادب کردن یا تربیت کردن است. ما به اشتباه می‌گوییم فلانی را ادب کردم، یعنی او را کتک زدم یا به اصطلاح عامیانه، سر جایش نشاندم؛ اما در زبان عربی، ادب کردن بدین معنا نیست. تأدیب، یعنی کسی را مُتَخَلِّق کردن و آداب را به او یاد دادن. گاهی خداوند با روش‌هایی ما را ادب می‌کند و به ما آداب می‌آموزد؛ اما ما قابلیت‌ها و آموخته‌هایمان را از دست می‌دهیم. در چنین موقعیتی، خداوند ما را با عقوبت خود ادب می‌کند؛ برای مثال، وقتی فردی چموشی می‌کند، خداوند بر او فشار وارد می‌کند تا او دست بکشد. در این جمله از خدا می‌خواهیم یاری‌مان کند چنان‌لیاقتی پیدا کنیم که خودمان، در آسایش و خوشی، با وجود نعمت‌های او ادب شویم و رشد کنیم و تقویت شویم، نه به وسیله عقوبت او.

«وَلَا تَمْكُرْ بِي فِي حِيلَتِكَ» (و با حیهات با من مکر نکن.)

مکر، یعنی چاره‌جویی کردن. گاهی، نعوذ بالله می‌خواهیم بر سر خدا کلاه بگذاریم. خداوند این عمل ما را خنثی می‌کند. به این خنثی‌سازی خداوند مکر می‌گویند: «وَمَكُرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ»^۱. در آیه «فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَيْنَا»

۱. آل عمران، ۵۴.

فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ^۱ (هرکس به شما تعدی کند، جوابش را به همان اندازه بدهید.)، برای ما نیز از کلمه تعدی استفاده شده است؛ اما منظور از آن، تعدی ما نیست؛ بلکه پاسخ دادن ماست. حيله هم به معنای چاره جویی است؛ یعنی کسی نمی تواند خداوند را در مخمسه قرار دهد. هیچ کس نمی تواند خدا را نعوذ بالله، گول بزند. خداوند فریب نمی خورد: ﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاؤُنَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا﴾^۲

در حقیقت، با درخواست از خداوند به خود یادآوری می کنیم که مبادا بخواهیم خدا را فریب دهیم؛ زیرا در این صورت، او هم متناسب با ما برخورد می کند. ما نمی توانیم خدا را فریب دهیم؛ اما خداوند می تواند ما را از برخی نعمت های خاص محروم کند.

«مِنْ أَيْنَ لِيَ الْخَيْرُ؟» (آیا به غیر از جانب تو، از مسیر دیگری به من خیر می رسد؟!)

خیر و حسنه فقط از جانب خداست. وجود و عمر و توفیقات ما، همه، خیر است. مردم هم که به ما خیر می رسانند، به این دلیل است که خدا دل هایشان را در قبال ما نرم کرده است. این نرم دلی از خودشان نیست؛ بلکه از خداست؛ پس همه خیرها از جانب خداوند است؛ اما شرها از جانب خودمان یا بندگان شریر است. ما باید زمینه های بهره مندی از رحمت و خیر خدا را فراهم کنیم.

«وَلَا يُوْجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ» (این خیر فقط در درگاه تو یافت می شود و تنها به پیشگاه تو انحصار دارد.)

نجات و رهایی هم فقط از جانب خدا ممکن است.

۱. بقره، ۱۹۴.

۲. نساء، ۱۴۲.

«وَمِنْ آيِنِ لِي النِّجَاطُ يَا رَبِّ وَلَا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ» (چه راهی می‌تواند مرا نجات دهد؟ نجات، تنها با امداد تو ممکن است.)

ما باید راه‌های نجات را بشناسیم. راه‌های نجات این است که خوبی کنیم و صادق باشیم؛ زیرا «النَّجَاطُ فِي الصِّدْقِ». وقتی بنده‌ای صادق باشد، مسلماً خداوند گره از کارش باز می‌کند و از نفاق و کفر نجاتش می‌دهد و از شر، رهایی‌اش می‌بخشد؛ مگر اینکه گاهی مصلحتش رفتن از دنیا باشد که در این صورت، فردی شریر او را شکنجه می‌دهد یا می‌کشد. در واقع، کشته شدن بنده صادق به دست شریر، نجات واقعی اوست. گاهی، نه تنها راه نجات را نمی‌یابیم، بلکه خودمان را هم نابود می‌کنیم. در چنین موقعیت‌هایی، خداوند ما را از مخمصه نجات می‌دهد: «فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ»^۱ گاهی، خداوند بعضی‌ها را از طوفان دریا نجات می‌دهد و به ساحل نجات می‌رساند؛ ولی آن‌ها شرک می‌ورزند.



تو مرا به خودت فراخواندی

لَا الَّذِي أَحْسَنَ اسْتَعْنَى عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ وَلَا الَّذِي أَسَاءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ وَلَمْ
يُضِضْكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ... بِكَ عَرَفْتُكَ وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي
عَلَيْكَ وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ وَلَوْلَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ.

خدایا! نه آن کسی که کار نیکو می کند، از یاری و رحمت تویی نیاز است و نه کسی
که بدی می کند و در برابر تو جرئت می یابد و تو را راضی نمی کند، از حیطة قدرت تو
خارج شده است. آه! ای صاحب من و ای خدای من و ای مربی من! به واسطه
کمک تو، تو را شناختم و تو را هنمای من به سمت خودت بودی و مرا به سوی خود
فراخواندی. اگر راهنمایی تو نبود، نمی فهمیدم که توجه کسی هستی.